

ادامه مطلب یاد مانده ها... از صفحه ۸

خراسان بود، می رود و در باغ خونی که مقر ستاد ژاندارمری بوده است اقامت می کند. با این حال ایرج میرزا در باغ ملی مشهد که محل برگزاری کنسرت بوده به دیدن عارف قزوینی می رود ولی عارف که سخت در تلاش بستن دکور کنسرت بوده، ایرج و دوستانش را آن طور که ایرج انتظار داشته تحویل نمی گیرد و روی خوش نشان نمی دهد. با این همه ایرج به کنسرت عارف در باغ ملی مشهد می رود. اما عارف در کنسرت غزل تازه خود را که علیه سلسله قاجار و مخصوصاً فتحعلی شاه متخلص به «خاقان» ساخته بود می خواند که مطلعش این است:

«خدا چو طره لیلی کند پریشانش

کسی که مملکتی ملتی پریشان کرد

چو جغد بر سر ویرانه های شاه عباس

نشست عارف و نفرین به روح «خاقان» کرد.»
سخنران اضافه کرد: «ایرج میرزا این کار عارف را توهینی به خود تلقی کرده و سالن کنسرت را به حال اعتراض ترک می کند و ساختن «عارف نامه» را که یکی از شاهکارهای ادب فارسی است آغاز می کند. ایرج در این شعر همانند گریه ای که موشی می گیرد و با آن به بازی می پردازد با عارف بازی می کند.»

نوح سپس بخش هایی از «عارف نامه» را از حفظ خواند و افزود که «در شعر فارسی هیچ شاعری به خوبی ایرج مستی را تصویر و در واقع توصیف نکرده است.» وی سپس چندین بیت از «عارف نامه» را که در وصف مستی است قرائت کرد:

آنگاه از سوی رییس جلسه اعلام تنفس شد و پس از استراحتی کوتاه طبق نظر حاضران قرار بر این شد که سخنران از سروده های خویش نیز چند شعر بخواند و در وقت باقیمانده پرسش ها مطرح شود.

نصرت الله نوح در توضیح شعری از خود به نام «آقا معلم» گفت: «من از سال ۱۳۳۵ که از زندان بیرون آمدم مثل آدم های حسابی به کار جسیبدم ودر «کیهان» و «توفیق» کار می کردم و البته در عین حال آموزگار هم بودم و در همان زمان بود که شعر «آقا معلم» را سرودم.

سخنران سپس افزود: «در سال ۱۳۳۹ در محل پارک شهر تهران اولین گاردن پارتی در تهران برگزار شد. همکارانم در نشریه «توفیق» کارت ورودی آن گاردن پارتی را به من دادند تا بروم و گزارشی تهیه کنم. من هم رفتم و پس از بازدید از آنجا شعری به عنوان «گاردن پارتی» در گزارش آن جشن سرودم که در همان روزنامه به چاپ رسید.» بیت هایی از این شعر بدین قرار است:

«داد بر مخلص به زور پارتی

یک آپارتی کارت گاردن پارتی

خواستم من هم شوم یک پا رجل

لیک بی کفش و کلاه و بی اتول

خرج کفش کهنه کردم پنجزار

واکس آن را کرد قدری نو نوار

داشتم کهنه لباسی از قدیم

سال ها بوده مرا یار و ندیم

در گرو بوده گهی بهر دو پول

گاه مسسازی نمی کردش قبول

دیده در دوران عمرش شاه ها

مانده دکان رفوگر ماه ها... نوح سپس شعر «حکیمباشی را دراز کنید»، «آتشکده سرد» و «در انتظار خورشید» را از آثار خود خواند.

سپس پرسش و پاسخ آغاز شد و یکی از حاضران با خواندن دو بیت شعر گفت در جستجوی نام شاعران این دو شعر است و از نوح خواهش کرد چنانچه شاعران این دو شعر را می شناسد معرفی کند.

نوح در پاسخ گفت: هر دو این شعرا از محمدعلی افراشته است و کامل آنرا نیز خواند. در پایان به پیشنهاد رییس جلسه نوح چند شعر از دهخدا را نیز خواند.

ادامه مطلب احتمال بحران بازپرداخت... از صفحه ۲۰

آمدن نرخ سود بانکی برای اینکه در اقتصاد تحرک ایجاد شود وام های گسترده ای در بخش ساختمان تا ۱۲۰ درصد ارزش مسکن داده شد.» وی گفت: «وقتی چنین معجزه ای در اقتصادی مانند آمریکا می افتد باید نگران آن بود، در سال ۲۰۰۶ افزایش قیمت مسکن کند و معلوم شد که حباب است. وی گفت: «در خانواده ای که با توانایی هزار دلار درآمد دو تا سه هزار دلار قسط قبول کرده بود، با بالا رفتن قیمت مواد غذایی و بنزین پرداخت ها میسر نشد و پیامد دریافت وام های زیراستاندارد خود را کم کم نشان داد، از سوی دیگر بانک ها نیز در سال های آخر وام هایی را پرداخت می کردند که با تغییر نرخ تورم، نرخ سود نیز تغییر می کرد و این تأثیر مضاعفی بر ایجاد بحران داشت.» وی یادآور شد: «این بحران می تواند در ایران هم اتفاق بیفتد. بانک های خصوصی که در حوزه خرید مسکن تا ۷۰ درصد وام در شهر تهران و شهرهای بزرگ پرداخت کرده اند ممکن است با این شرایط رو به رو شوند به طوری که با کاهش قیمت مسکن صاحب خانه ای که واحد مسکونی را خریداری کرده، اقساط خود را پرداخت نکند و به بانک اعلام کند که مسکن خود را پس بگیرد و چون قیمت به میزان ۲۰ درصد افت کرده و ممکن است بیش از این افت کند و از سوی دیگر خریدار هم عنوان کند که توان پرداخت اقساط را ندارد پس بهتر است بانک واحد مسکونی را دریافت کند و این اتفاق در ایالات متحده افتاد و ممکن است در ایران نیز روی دهد.»

نصرت الله نوح سپس به آشنایی خود با افراشته اشاره کرد و گفت: «من اولین شعرم در سال ۱۳۳۰ در روزنامه سیاسی فکاهی «چلنگر» که به مدیریت محمدعلی افراشته منتشر می شد چاپ شد. من کارگر ساده ای بودم و محمدعلی افراشته مرا دوست می داشت و می گفت می دانم که تو معنی بیکاری و تنگدستی و گرسنگی را می دانی، گرچه دکتر و مهندس هایی هستند که شعر هم می گویند ولی آن ها درد گرسنگی را نکشیده اند.»

سخنران افزود: «افراشته بعد از ایرج میرزا استاد سرودن شعرهای سهل ممتنع است و می دانیم که بعد از سعدی هم تنها ایرج میرزاست که استاد سهل ممتنع است. شعر افراشته بعد از شهریور بیست گل کرد. او قبل از آن با روزنامه «امید» و روزنامه «توفیق» همکاری می کرد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ بود که انفجار طنز روی داد و چهره های برجسته ای در زمینه طنزپردازی ظهور کردند؛ از جمله ابوتراب جلی، ابوالقاسم حالت، فریدون توللی، حسین مجرد و ممتاز سنگسری.

پس از شهریور ۲۰ فعالیت احزاب آزاد شد و زنان و مردان در کنار هم به فعالیت سیاسی پرداختند. اما وقتی مردان و زنان فعال در امور سیاسی و اجتماعی به خانه می آمدند همسران اهل و محافظه کارشان از فعالیت سیاسی آن ها گلّه مند بودند و اعتراض می کردند. افراشته این ناراضیاتی را در شعری به نام «ارتجاع داخلی و ارتجاع داخلی تر» به خوبی و زیبایی تصویر کرده است.»

نصرت الله نوح آنگاه متن کامل این شعر را برای حاضران در جلسه خواند.

سخنران سپس به ایرج میرزا اشاره کرد و گفت: «می دانیم که ایرج «شازده» و نوه فتحعلی شاه بود و به خاطر جدش با عارف قزوینی در افتاد در حالی که خودش تعصبی به قاجاریه نداشت و این نداشتن تعصب را می توان در سروده های ایرج میرزا درباره احمد شاه و محمدعلی شاه که به هجو آن ها پرداخته است به خوبی دید. ایرج درباره احمدشاه سروده است:

«فکر شاه فطنی باید کرد

شاه ما کنده و گول و خرف است

تخت و تاج و همه را ول کرده

در هتل های اروپ معتکف است

نشود منصرف از سیر فرهنگ

این همان احمد لاینصرف است»

ایرج در مرگ محمد علیشاه که در ایتالیا در گذشته بود چنان گفته که گویی نوکر در خانه اش است و موجود بی ارزشی از دنیا رفته است و هیچ نسبتی هم با او نداشته است:

«مخور غصه بیش و کم در جهان

که تا بنگری بیش و کم فوت شد

چو بنشسته ای دم غنیمت شمار

دمادم بده می، که دم فوت شد

چه بس سست عنصر ز دنیا برفت

چه اشخاص ثابت قدم فوت شد

نه یک نعمتی بر کسی داده بود

که گویم ولی النعم فوت شد

نه جود و کرم داشت تا گویمش

خداوند جود و کرم فوت شد

در ایران اگر زیست بی احترام

در ایتالیا محترم فوت شد

همین بس که گویم به تاریخ او

محمد علیشاه هم فوت شد»

نصرت الله نوح آنگاه در مورد علت سرودن «عارف نامه» گفت: «عارف قزوینی برای برگزاری کنسرت به مشهد می رود و ایرج انتظار داشت که به واسطه دوستی بین آن دو عارف به منزل او وارد شود و این موضوع را به دوستانش هم می گوید.

ولی عارف به نزد کنثل پسیان، که فرمانده ژاندارمری

ادامه مطلب نظامی گنجوی از صفحه ۳۵

پنجمین و آخرین مثنوی از خمسه ی نظامی اسکندرنامه است. این کتاب مجموعاً در ۱۰۵۰۰ بیت و شامل دو قسمت است که نظامی قسمت نخستین را «شرفنامه» و دومین را «اقبالنامه» نامیده است. نظامی خود درباره ی شرفنامه چنین گوید:

از این آشنا روی تر داستان

خُنیده ۱ نباشد بر راستان

از آن خسروی می که در جان اوست

شرفنامه ی خسروان نام اوست

و نیمی از داستان اسکندر را در آن گفته و باقی را در نیمه ی دیگر آورده است و در این باب چنین می گوید:

چو شد نیمی از این بنا مهره بست

مرا نیمه ی عالم آمد به دست

دگر نیمه را گر بود روزگار

چنان گویم از طبع آموزگار

که خواننده را سر برآرد ز خواب

به رقص آورد ماهیان را در آب

و در باب اقبالنامه چنین آورده است:

کنون بر بساط سخن گستری

زمن کوس اقبال اسکندری

نظامی در کتاب شرفنامه آنچه از داستان اسکندر را که فردوسی در شاهنامه نا گفته گذاشته بود به رشته ی نظم در آورد. شرفنامه حاوی داستان اسکندر از ولادت تا فتح ممالک و بازگشت به روم است و در اقبالنامه سخن از علم و حکمت و پیام آوری اسکندر و مجالس او با حکماء بزرگ و پایان زندگی او وزندگی حکمایی است که با او مجالست داشته اند. نظامی بنابر ابیاتی که در اسکندرنامه می بینیم در نظم این داستان قصد پیروی از فردوسی داشت و در حقیقت کار خود را دنباله ی کار آن استاد در داستان اسکندر از شاهنامه قرار داد و فردوسی بزرگ را چنین ستود:

سخنگوی پیشینه دانای طوس

که آراست روی سخن چون عروس

در آن نامه کان گوهر سفته راند

بسی گفتنی های ناگفته ماند

نظامی از شاعرانی است که بی شک باید او را در شمار بنیان گذاران شعر فارسی در نهضت تجدید حیات فرهنگی ایران بعد از هجوم تازیان و از استادان مسلم این زبان دانست. در پهنه ی ادب و شعر جهانی فقط ویلیام شکسپیر شاعر و درام نویس بزرگ انگلیس با او می تواند قابل قیاس باشد و شاید هم که شاعر انگلیسی زبان از منظومه های دراماتیک نظامی چون خسرو و شیرین و لیلی و مجنون برای سرودن نمایشنامه هایی چون رمئو و ژولیت الهام گرفته باشد.

نظامی از جمله سخنگویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست به ایجاد یا تکمیل سبک و روش خاصی توفیق یابد. اگرچه داستانسرائی در زبان فارسی با نظامی شروع نشده، لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانست این نوع از شعر یعنی شعر تمثیلی که به زبان خارجی دراماتیک گفته می شود را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند نظامی گنجوی است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص و تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند در هر مورد، و تصویر جزئیات و نیروی تخیل و دقت در وصف و ایجاد مناظر و ریزه کاری در توصیف طبیعت و اشخاص و احوال آنها و به کار بردن تشبیهات

ادامه مطلب پیشنهاد سپاه پاسداران... از صفحه اول

در این گزارش همچنین با اشاره به اینکه "اگر ما تلویزیونهای ضد انقلاب را نداشتیم چه کسی می توانست آنقدر خوب از ایران حمایت کند" تاکید شده که چنین رسانه هایی "دو نقش کلیدی را ایفا کرده اند؛ اول آنکه بسیاری از بودجه های براندازی نرم آمریکا را بلعیده اند بدون آنکه بتوانند جنبشی قوی را در ایران ایجاد کنند که تامین کننده منافع آمریکا و غرب در ایران باشد و دوم اینکه اعتماد مردم را به سیستم سیاسی نظامی جمهوری اسلامی بیشتر کرده اند.

گزارش دفتر سیاسی افزوده: "برنامه های کم عمق، سطحی و انتقادهایی که از ستون خوانندگان روزنامه های داخلی و حتی دولتی فراتر نمی رود، عملاً هیچ آلترناتیوی را برای جمهوری اسلامی ایران باقی نگذاشته است.

این گزارش با اشاره به افزایش شبکه های ماهواره ای فارسی زبان، از تلویزیون های لس آنجلسی به عنوان تلویزیون هایی "استودیو محور" نام برده و خاطر نشان کرده: "از ویژگی های منحصر به فرد این رسانه ها ارائه تحلیل های سطحی، پرداختن به جاذبه های کذایی، پخش ساز و آواز، تبلیغ کالا در کنار دکور برنامه ها، استفاده از ادبیات کوچه بازاری و عوام فریبی است." دفتر سیاسی سپاه دراین گزارش همچنین با اظهار خوشحالی از سطحی بودن برنامه ها و انتشار غیرحرفه ای اخبار تاکید کرده: "انتقادات از این رسانه ها را به خود آنها واگذار می کنیم، زیرا آنچه برای جمهوری اسلامی ایران حاصل شده است از این تلویزیون ها مثبت است. به گونه ای که بسیاری از مجریان این تلویزیون ها همدیگر را مورد حمایت ایران می دانند.

در این گزارش بزرگترین دستاورد شبکه های لس